



بررسی مبانی حرمت ربا و کاربرد آن در بانکداری معاصر

پدیدآورنده (ها) : نوری، محمد امیر

اقتصاد :: نشریه اقتصاد و توسعه منطقه ای :: نیمه دوم سال ۱۳۷۹ - شماره ۱۲ (ISC)

صفحات : از ۷۵ تا ۹۷

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/150857>

تاریخ داندلود : ۱۴۰۴/۰۵/۱۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- استنباط احکام ربا از قرآن کریم
- حلیت ربای تولیدی و انتاجی در بوتۀ نقد و بررسی
- سنجش میزان علیت ظالمانه بودن ربا در قرض های تولیدی و مصرفی
- بررسی تأثیر آموزش روش مונته سوری بر خلاقیت کودکان پیش دبستانی ۴ و ۵ ساله شهر تبریز
- بررسی تأثیر عدالت سازمانی بر تعهد سازمانی از طریق نقش میانجی آوا و سکوت سازمانی در بانک های تجاری
- تفاوت شیوه ی ارجاع در پانوش و فهرست منابع
- نگاهی به کتاب «نوجوانان دیجیتالی: نقش رسانه ها در رشد»
- نقش دیپلماسی نوین در افزایش همگرایی کشورهای اسلامی
- تحلیل مدیریت جهادی با رویکرد پویایی شناسی سیستم
- تحلیل رابطه سبک رهبری اخلاقی و سکوت سازمانی با خلاقیت کارکنان
- بررسی رابطه بین شهرت سازمانی و ویژگی های شخصیتی کارکنان شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران
- بانکداری اسلامی و حرمت ربا در اسلام

عناوین مشابه

- بررسی فلسفه حرمت ربا و اثرات کاربردی آن در بانکداری اسلامی
- بررسی اصول و مبانی تربیت و تعلیم اسلامی و کاربرد آن در نظام ترویج (۲)
- بررسی بانکداری بدون ربا در کشور اردن و مقایسه اجمالی آن با چارچوب بانک داری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران
- بیع الخيار از دیدگاه فقه و کاربرد آن در بانکداری بدون ربا
- بررسی بانکداری بدون ربا در ایران و مقایسه آن با کشورهای منتخب در بانکداری اسلامی با رویکرد تجهیز و تخصیص منابع
- بررسی آزادی آکادمیک در غرب معاصر و نقد مبانی آن از دیدگاه متفکران معاصر مسلمان
- بررسی علل عدم اجرای صحیح عقد مشارکت مدنی در بانکداری بدون ربا و راهکارهای تصحیح آن
- بخش اول: اصول و مبانی نقد و پژوهش هنری: معرفی رویکرد «ساختار افق» و کاربرد آن در بررسی نقاشیهای کاروس و فریدریش
- بررسی مبانی و ابزارهای اقتصاد قانون اساسی و کاربرد آن در مهندسی قانون اساسی
- بررسی و تحلیل مبانی فقهی حرمت اخلاگری در نظام اقتصادی و ارتباط آن با امنیت اجتماعی و ملی

بررسی مبانی حرمت ربا و کاربرد آن در بانکداری معاصر

چکیده

در این مقال، ابتدا فرضها به ضروری و غیر ضروری تقسیم، ویژگیهای هریک مشخص و معیار علمی برای شناسایی آنها معرفی شده است. سپس با بهره گیری از آیات، روایات و تعریف ربای جاهلی (ربای متداول در صدر اسلام)، با تکیه بر فلسفه حرمت ربا در لسان آیات و روایات و ... اولاً ثابت کرده ایم فرضهای متعارف در عصر جاهلی، فرضهای ضروری بود. ثانیاً، منظور از ربای حرام، شرط دریافت زیادی در فرضهای ضروری می باشد نه هر قرضی. در نهایت، پی آمدهای کاربردی این رویکرد را در بانکداری اسلامی ارائه کرده ایم.

کلید واژگان:

ربای قرضی - ربای جاهلی - فلسفه حرمت ربا - فرضهای ضروری - فرضهای غیر ضروری -
تنزیل اوراق قرضه - قرض الحسنه - جبران تورم

... با به بار نشستن شکوفه های گلگون انقلاب اسلامی و به اهتزاز در آمدن درفش فتح و پیروزی و پا گرفتن حکومت اسلامی، مردم باورمند و امیدوار، چشم انتظار تحولات ساختاری بودند؛ تحولاتی که می بایست با شاخصهای ویژه خود، گستره فرهنگ، سیاست، اقتصاد، مدیریت و غیره را فرا می گرفت. در عرصه اقتصاد آنچه بیشتر به عنوان سمبل رژیم منحنی پهلوی و طلایه دار وابستگی به استعمار غرب و شیطان بزرگ جلوه می نمود و جامعه، تحول مبنایی در آن را انتظار می کشیدند نظام بانکی بود. تبلیغات گسترده و دامنه دار مقامات دینی علیه بانکداری متداول پیش از انقلاب، عدم

۱- کارشناس ارشد رشته علوم اقتصادی دانشگاه فردوسی و محقق دفتر تبلیغات اسلامی مشهد.

تحول محسوس در کارکرد بانکها بعد از انقلاب، دغدغه متدینان مبنی بر ربوبیت بانکداری را پابرجا نگه داشت. این باعث شد تا شیادان و سودجویانی به نام شرکتهای مضاربه‌ای اقدام به جمع‌آوری پس‌اندازهای مردم کرده، با سوء استفاده از ایمان و اعتقاد مردم یک شبه میلیاردر شوند.

تا سال ۱۳۶۳ این روند ادامه یافت و سیستم بانکی به همان شکل و شیوه گذشته به حیات خود ادامه داد. انقلاب جز ملی شدن بانکها ارمغان دیگری در پی نیاورده بود. در آن سال اولین جریقه امید پدیدار شد.^۱ با تصویب و اجرای قانون بانکداری بدون ربا و بهره‌گیری از عقود اسلامی در فعالیتهای بانکی، اعتماد و اطمینان در قلبهای مؤمنان و متدینان فرو نشست. این باعث شد که توده‌های مردم باورمندانه پس‌اندازهای هرچند اندک و ناچیز خود را در بانکها بگذارند. ولی دیری نپایید که مشروعیت و کارآمدی بانکداری بدون ربا با چالش مواجه شد و بسیاری از خوش‌بینان اولیه و طرفداران بانکداری بدون ربا نیز آن را در حد کلاه شرعی و راه فرار از ربا پایین آوردند.^۲

گذشته از بحران هویت و ضعف کارایی، این نظام نتوانسته است فراسوی اصلی‌ترین هدف حکومت اسلامی یعنی عدالت اجتماعی حرکت کند؛ هدفی که به خاطر تحقق آن پیامبران الهی مبعوث شدند:

«لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط»^۳

همانا ما پیامبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و برایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به عدالت گرایند.

در حقیقت، فلسفه حرمت ربا به عدل‌خواهی و ظلم‌ستیزی اسلام برمی‌گردد. اسلام به این دلیل ربا را تحریم کرده و رباخوار را محارب با خدا و پیامبر (ص) دانسته است که این معامله شوم، به گسترش اختلاف طبقاتی، تشدید نابرابری اجتماعی و در نهایت به بردگی خانواده‌های بدهکار تمام می‌شود و آنها را نسل اندر نسل از گرمای دل‌نشین آزادی محروم می‌سازد. نظامی که به هر عنوان نتواند این هدف الهی را تأمین و این آرمان انسانی را برآورده سازد، ادعای اسلامیت آن غیر واقعی می‌نماید.

۱- سیدعباس موسویان، بانکداری بدون ربا از نظریه تا عمل، (مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹)، صص ۳۰-۴۱.

۲- همان، صص ۹۹-۱۱۷؛ سیدحسین میرجلیلی، ارزیابی بانکداری بدون ربا، ص ۱۲۸، مجموعه مقالات هشتمین سمینار بانکداری اسلامی، صص ۲۶۸-۲۶۹.

۳- قرآن کریم، سوره حدید، آیه ۲۵.

براساس آمار و ارقام، میزان سود پرداختی بانکها به سپرده گذاران کمتر از سطح جبران تورم بوده؛ یعنی پس انداز کنندگان نظام بانکی که معمولاً از اقشار کم درآمد و آسیب پذیر جامعه اند با زیان سرمایه ای مواجه شده اند. خوش بینانه ترین آمار نیز مؤید این حقیقت است نگاه کنید به جدول (۱).

جدول ۱- سود اسمی و واقعی سپرده های بانکی

سال	سود اسمی سپرده های کوتاه مدت	سود اسمی سپرده های بلند مدت پنج ساله	نرخ تورم	سود واقعی سپرده های بلند مدت پنج ساله
۱۳۶۳	۷/۲	۹	۱۰/۴	-۱/۴
۱۳۶۴	۶	۸	۶/۹	+۱/۱
۱۳۶۵	۶	۸/۵	۲۳/۷	-۱۵/۲
۱۳۶۶	۶	۸/۵	۲۷/۷	-۱۹/۲
۱۳۶۷	۶	۸/۵	۲۸/۹	-۲۰/۴
۱۳۶۸	۶	۸/۵	۱۷/۴	-۸/۹
۱۳۶۹	۶/۵	۱۳	۹	+۴
۱۳۷۰	۶/۵	۱۴	۲۰/۷	-۶/۷
۱۳۷۱	۷/۵	۱۵	۲۴/۴	-۹/۴
۱۳۷۲	۸	۱۶	۲۲/۹	-۶/۹
۱۳۷۳	۸	۱۵/۵	۳۵/۲	-۱۹/۸
۱۳۷۴	۸	۱۸/۵	۴۹/۴	-۳۰/۸
۱۳۷۵	۸	۱۸/۵	۲۳	-۴/۵
۱۳۷۶	۸	۱۸/۵	۱۷/۳	+۱/۲

مأخذ: مجموعه آماری سری زمانی اقتصادی اجتماعی تا سال ۱۳۷۷

برای بسیاری از اندیشه وران و علاقه مندان اقتصاد اسلامی سؤالانی مطرح شده است؛ سؤالاتی که طرفداران بانکداری بدون ربا هنوز نتوانسته اند برای آنها پاسخ قابل قبولی ارائه کنند: آیا سود از قبل تعیین شده (هرچند به نام علی الحساب)، تضمین سرمایه و فقدان ریسک پذیری سرمایه گذار (سپرده گذار)، شرکت صوری، وکالت ناخواسته و ناگفته و ...، جز فرار از ربا چه معنایی می تواند داشته باشد؟ آیا این وکلای عالی مقام (بانکداران)، به نفع موکلان بیچاره شان سعی و تلاش نمی کنند که در فعالیتهای خود همیشه با زیان مواجه می شوند؟ ...

بنابراین، همان چالشها و گمانه‌زنیهایی که در مورد ربویت نظام بانکی سنتی وجود دارد، دامن بانکداری بدون ربا را نیز آلوده ساخته و مشروعیت آن را زیر سؤال برده است.

بانکداری و چالشهای مدل اسلامی، نگارنده را بر آن داشت، با استفاده از منابع اولیه اسلامی و با بهره‌گیری از روشهای فقهی و علمی، به ارزیابی مجدد مسأله ربا بپردازد. در فرآیند تحقیق به فرضیه‌ای رسید که اثبات آن می‌تواند بسیاری از چالشها را حل کند و نظام بانکداری‌ای را پی ریزد که بدون افتادن در چالش ربا، جنبه‌های مثبت بانکداری متداول را داشته باشد؛ یعنی کارا، شفاف و اطمینان‌آفرین و در عین حال در جهت توزیع عادلانه‌تر درآمد و کاهش شکاف طبقاتی باشد. آن فرضیه این است: «رباستانی در قرضهای ضروری حرام و در قرضهای غیر ضروری جایز است». برای اثبات این فرضیه، در ابتدا باید انواع قرض را مورد بحث قرار دهیم:

انواع قرضها (وامها)

وامهایی که افراد دریافت می‌کنند از نظر انگیزه و نیاز مصرفی به دو دسته تفکیک می‌شوند:

۱- وامهای ضروری، ۲- وامهای غیر ضروری.

۱- وامهای ضروری: گاهی افراد برای تأمین نیازهای اولیه و احتیاجات اساسی وام می‌گیرند؛ وامهایی که با عدم دریافت آنها جان فرد و خانواده‌اش با خطر جدی مواجه می‌شود؛ مثل دریافت وام برای سیر کردن شکم زن و بچه گرسنه، تهیه لباس ضروری و یا معالجه بچه بیمار خود؛ یعنی دریافت وام به منظور فراهم سازی حداقل معیشت. طبعاً در این دسته از قرضها، وام‌گیرنده، قدرت انتخاب و چانه‌زنی ندارد و مجبور به پذیرش شرایط وام‌دهنده می‌باشد. راه برای انتخاب گزینه‌های جایگزین مسدود است. حتی در صورت پیدایی گزینه‌های دیگر، به دلیل قدرت انحصاری رباخواران در بازار پول، شرایط و هزینه دریافت وام مشابه هم بوده، به شدت سنگین می‌باشد.

۲- وامهای غیر ضروری: به قرضهایی که برای توسعه و گسترش فعالیتهای اقتصادی و یا خرید کالاهای مصرفی لوکس و تجملی دریافت می‌شود، وامهای غیر ضروری گفته می‌شود. این گونه وامها، نه از روی ناچاری و اجبار بلکه به دلیل پایین بودن هزینه دریافت در مقایسه با بازدهی سرمایه و یا اجاره سایر داراییها دریافت می‌شود؛ همانند سرمایه‌داری که زمین وسیعی در اختیار دارد، هر ساله آن را چغندر قند می‌کارد؛ محصول تولیدی را به کارخانه قندی می‌فرستد که متعلق به او نیست و در آنجا تبدیل به قند می‌شود. حال، این شخص، تصمیم می‌گیرد که فرآیند تولید را کاملاً در اختیار بگیرد و محصول را به صورت کالای نهایی به بازار فروش عرضه کند. ممکن است تمام هزینه راه‌اندازی کارخانه قند را نداشته باشد؛ او برای تأمین این سرمایه از بانک وام می‌گیرد، وام دریافتی او غیر ضروری است. از همین قبیل است دریافت وام برای خرید کالاهای لوکس و تجملی؛ کالاهایی که

بیشتر جنبه خودنمایی و تظاهر به موقعیت بالای اجتماعی دارد.

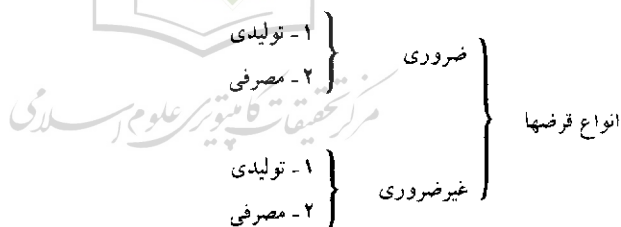
در یک تقسیم‌بندی دقیق‌تر می‌توان قرضها را به چهار دسته تفکیک کرد:

الف - قرضهای مصرفی ضروری که به منظور خرید کالاها و خدمات اولیه و حیاتی دریافت می‌شود.

ب - قرضهای تولیدی ضروری که به‌طور غیرمستقیم، زندگی فرد و خانواده او بدان بستگی دارد؛ مثل خرید ابزار کار به منظور تأمین نیازهای اولیه.

ج - قرضهای مصرفی لوکس و تجملی؛ مثل دریافت وام برای خرید ماشین سواری، زیورآلات، ویلاهای تفریحی و

د - قرضهای تولیدی غیرضروری؛ مثل گرفتن وام به منظور راه‌اندازی و توسعه فعالیت‌های تولیدی و تجاری. دست‌یابی بنگاهها به وام با شرایط مناسب و هزینه اندک قدرت انحصاری به آنها می‌دهد و ممکن است دسترسی به تسهیلات ارزان، به خروج رقیبان از بازار تولید و تجارت بینجامد؛ یعنی تسهیلات بانکی بستر رشد سرمایه‌داران انحصارطلب و نابودی بنگاههای کوچک را فراهم کند.

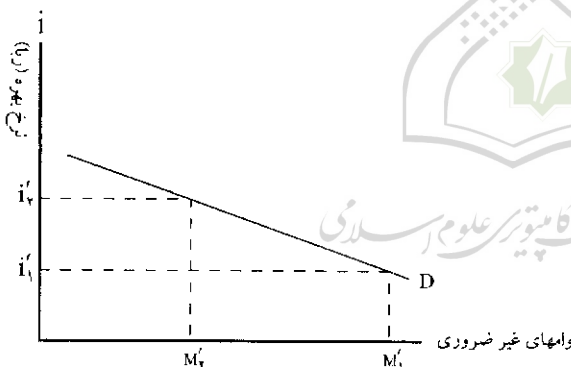


معیار شناسایی قرضهای ضروری و غیرضروری

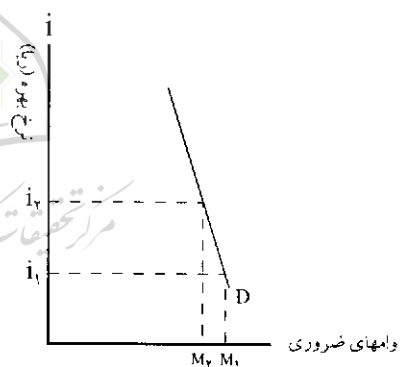
چالش اساسی در این نظریه، تشخیص و شناسایی قرضهای ضروری از غیرضروری است. آیا معیاری برای تفکیک این دو نوع قرض از همدیگر وجود دارد؟ یک معیار شناسایی، کثرت قیمتی تقاضاست. برای قرضهای ضروری کثرت تقاضا بسیار کوچک و قدر مطلق آن نزدیک صفر است؛ یعنی اگر اثر تغییر در قیمت پول (نرخ بهره) را به دو اثر جانشینی و درآمدی تقسیم کنیم، اثر جانشینی قرض همانند هر کالای دیگر منفی است و اثر درآمدی نیز منفی می‌باشد؛ با افزایش درآمد تقاضای وام به شدت کاهش می‌یابد و تقریباً اثر درآمدی، اثر جانشینی را خنثی می‌کند؛ به همین دلیل، شیب منحنی تقاضا برای قرضهای ضروری خیلی تند است و کثرت تقاضای آن اندک می‌باشد.

از دیدگاه فردی مستأصل و دچار بن‌بست، استقراض، همان کالای پست است. شدت فقر و

فلاکت او به صورت تمایل به قرضهای ضروری تظاهر می‌کند و در درآمدهای بالاتر از حداقل معیشت، تأمین نیازهای اساسی، انگیزه قرض‌گیری کاهش خواهد یافت؛ مثلاً کشاورز نیازمندی را در نظر بگیرد که نیاز شدیدی به پول قبل از فصل برداشت، او را مجبور کرده که محصولش را پیش‌فروش کند. در پایان دوره، اگر بازده به گونه‌ای باشد که سهم او بتواند مخارج سال بعد را تأمین کند، او به اجبار و از روی ناچاری از سلف‌خر خواهد خواست به او تا یک سال دیگر مهلت دهد، در پایان دوره بعد دو برابر طلب خود را دریافت کند. چنین چالشی زمانی پدید می‌آید که سلف‌خر به صورت انحصاری عمل کند و یا به صورت انحصار چندجانبه. به دیگر سخن، بدهکار نه قدرت چانه‌زنی داشته باشد و نه زمینه برای دست‌یابی به کالاهای جانشین فراهم باشد، همانند رباخواران صدر اسلام از قبیل عباس بن عبدالمطلب، عثمان بن عفان؛ ولید بن مغیره و ... که معمولاً به شکل انحصاری و شراکتی عمل می‌کردند. در واقع، بازار مالی در انحصار چند نفر رباخوار قرار داشت^۱.



شکل ب



شکل الف

منحنی تقاضا (D) برای قرضهای ضروری در شکل الف ترسیم شده است. این منحنی دارای شیب تند و بی‌کشش می‌باشد. با تغییر قابل توجهی در نرخ ربا (بهره) و افزایش آن از i_1 به i_2 روی تقاضا چندان تأثیر نگذاشته است؛ همان افزایش در نرخ بهره، تقاضا برای وامهای غیر ضروری را به شدت با کاهش مواجه کرده است، یعنی از M_1 به M_2 . چون در این گونه وامها دریافت‌کنندگان در برابر تغییرات نرخ بهره (هزینه دریافت وام) حساسند. آنها از مقایسه نرخ بهره با نرخ بازده داخلی و یا هزینه فرصت آن تصمیم می‌گیرند. با افزایش نرخ بهره، تقاضای وام کاهش و با کاهش آن

۱- ابوالفتح رازی، تفسیر روح الجنان و روح الجنان، ج ۱، (قم، کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۴)، ص ۴۸۵.

درخواست وام افزایش خواهد یافت؛ یعنی افزایش نرخ بهره باعث می‌شود که ارزش انتظاری بعضی از طرحها کاهش یافته و سود مورد انتظار منفی گردد و از سرمایه‌گذاری در این گونه طرحها چشم‌پوشی شود. همان‌طور که در شکل ب دیده می‌شود، تقاضا برای وامهای غیرضروری پرکشی است. برای خرید کالاهای لوکس و تجملی تابع تقاضای وام مشابه قرضهای تولیدی است و مصرف‌کنندگان این دسته از کالاهای نرخ رجحان زمانی را در تصمیم خود برای خرید در نظر می‌گیرند. اگر نرخ بهره و هزینه فرصت خرید کالاهای بادوام زیاد باشد، از خیر آن خواهد گذشت. ولی در نرخهای پایین‌تر بهره، عکس این گزاره اتفاق خواهد افتاد.

از مقایسه این دو نوع قرض می‌توان دریافت: در نوع اول (وامهای ضروری) گرفتن زیادی، مصداق عینی ظلم و بی‌عدالتی است؛ روح عدالت‌خواهی و نوع‌دوستی اسلامی ایجاب می‌کند که مازاد دریافتی توسط قرض‌دهنده، ربا و حرام باشد. ولی در نوع دوم برعکس؛ منطقی است که بخشی از سود سرمایه‌گذاری به صاحب سرمایه تعلق گیرد و کسی که از مصرف فعلی چشم‌پوشیده و منبع سرمایه‌گذاریهای تولیدی را فراهم آورده است، بایسته است که سهمی از محصول تولیدی را دریافت کند.

این که از نظر اسلام مطلق ربا حرام است یا تنها در قرضهای ضروری، جای سؤال است ولی قدر متیقن این است که اکثر وامهای دریافتی در زمان پیامبر (ص) و کلاً در صدر اسلام، ضروری بوده است؛ دلایل محکم و انکارناپذیری در این رابطه وجود دارد. اما در رابطه با پیدایی قرضهای غیرضروری در زمان پیامبر (ص) هیچ‌گونه دلیل محکم وجود ندارد.^۱ بر همین اساس، عده‌ای به ویژه علمای بزرگی از مصر معتقدند که حرمت ربا شامل قرضهای تولیدی نمی‌شود و دریافت اضافه از تولیدکنندگان و سرمایه‌داران عین عدل است.^۲ در برابر، طیف وسیعی از علمای شیعه و سنی قرار دارند، اینها معتقدند که مطلق ربا جز موارد استثنا شده، حرام است.

در این جا به جای قرضهای تولیدی و مصرفی، ما قرضها را به ضروری و غیرضروری تقسیم کرده‌ایم، چون این تعبیر از دیدگاه اقتصادی دقیقتر است. همچنین با واقعیت قرضهای صدر اسلام، آیات و روایات همخوانی بیشتر دارد؛ زیرا:

از بررسی ربای جاهلی و متداول در صدر اسلام می‌توان دریافت که ربای جاهلی در قالب قرضهای مصرفی نمی‌گنجند. در بسیاری موارد، افراد برای راه‌اندازی کار تولیدی‌ای که برای تأمین

۱ - شهید مطهری، مسأله ربا، (انتشارات صدر)، ۱۳۶۴، ص ۴۹.

۲ - همان، ص ۴۳.

معیشت آنها و خانواده‌شان حیاتی بود، قرض می‌گرفتند. این گونه قرضها با این که تولیدی است ولی به دلیل وابستگی شدید زندگی یک خانواده بدان، ضروری می‌باشد. همچنین اکثر قرضهای مصرفی امروزی به منظور خرید کالاهای لوکس و بادوام دریافت می‌شوند و با نیازهای اساسی خانواده‌ها ارتباطی ندارند. در چارچوب قرضهای تولیدی و مصرفی، این دسته از قرضها جزء قرضهای مصرفی به حساب می‌آیند؛ در حالی که در جامعه ابتدایی صدر اسلام و اقتصاد معیشتی آن روزگار چنین قرضهایی نمی‌توانست پدید آید. به همین جهت مسأله را با رویکرد وامهای ضروری و غیرضروری بررسی می‌کنیم. بر این اساس، قرضهای تولیدی به منظور تأمین نیازهای اساسی و حیاتی، ضروری و دریافت قرض برای خرید کالاهای مصرفی لوکس، قرض غیرضروری، محسوب می‌شود. در ابتدا دلایل مربوط به محدودیت حرمت ربا در قرضهای ضروری را ارائه می‌کنیم. سپس به ارزیابی دیدگاهی می‌پردازیم که ربا را به طور مطلق حرام می‌داند.

دلایل محدودیت حرمت ربا به قرضهای ضروری

۱- قرضهایی که در صدر اسلام و قبل از آن میان اعراب جاهلی رواج داشت برای تأمین نیازهای اولیه و مصارف ضروری گرفته می‌شدند. دست کم، اکثر معاملات ربوی ریشه در معاملات سلفی داشتند؛ رباخواران شهرنشین، محصول کشاورزان را پیش خرید می‌کردند؛ موقع تأدیه محصول (زمان برداشت) سلف خران برای بردن محصول پیدا می‌شدند و از بدهکار می‌خواستند که محصول پیش خرید شده را بدهد. کشاورز بیچاره که زندگی خانواده‌اش بدان محصول بستگی داشت التماس می‌کرد که نصف طلب را دریافت و نصف دیگر را به عهده او بگذارد و در پایان دوره جدید او دو برابر خواهد پرداخت و بعد از سررسید دوره جدید، بدهکار مجدداً تقاضای تمدید زمان بازپرداخت می‌کرد و به ازای آن میزان بدهی را به دو برابر افزایش می‌داد؛ بدین ترتیب، بدهی که ریشه در بیع سلفی داشت، با روند تصاعدی افزایش می‌یافت. در نهایت، می‌توانست به بردگی بدهکار و خانواده‌اش تمام شود. ربای عباس عموی پیامبر (ص) از همین دسته بود. و از این طریق ثروت زیادی انباشته بود. پیامبر (ص) در حجة الوداع ربای جاهلی از جمله ربای عباس را لغو کرد^۱ و منظور قرآن از آیه «لا تأكلوا الربا اضعافاً مضاعفة» همین نوع رباست^۲. بی تردید ربایی که به ازای تأخیر در بازپرداخت، پدید می‌آید، ریشه در مطالبات ضروری داشت؛ افراد ثروتمند بعد از پایان مهلت،

۱- تفسیر روح الجنان و روح الجنان، ص ۴۸۵.

۲- محمد بن جریر طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، (بیروت، دار المعرفت، ۱۹۸۶)، ص ۶۹.

قدرت بر ادای دیون خود را داشتند و به دام رباخواران گرفتار نمی‌شدند.

۲- از بررسی معانی لغوی و فقهی ربا می‌توان دریافت ربا به‌طور مطلق حرام نیست. در آیات «و ما آتیتم من الربا لیربوا فی اموال الناس و لا یربوا عندالله...»^۱ و «و یری الصدقات»^۲ با این که ربا به معنای زیادی است ولی بار ارزشی حرمت را به همراه ندارد. و همچنین مواردی از ربا که در روایات آمده است، حلال می‌باشد؛ همانند رباگیری بدون شرط در ابتدای قرارداد و پرداخت داوطلبانه به وسیلهٔ بدهکار، معاملات ربوی میان پدر و فرزند و زن و شوهر و رباگیری از کفار حربی^۳. بنابراین، این ادعا که ربا به‌طور مطلق حرام است نمی‌تواند درست باشد. این احتمال وجود دارد که ربا در قرضهای غیر ضروری از این دسته باشد. دلیل عدم ذکر آن در روایات، فقدان وجود عدم ابتلای جامعه بدان می‌باشد.

۳- از سیاق آیات مربوط به ربا و بررسی صدر و ذیل آنها می‌توان دریافت که آنچه در قرآن به عنوان ربا حرام است، ربا در قرضهای ضروری می‌باشد. با نگاه به آیات ۲۷۵-۲۸۱ از سورهٔ بقره که ثقل بحث ربا در این آیات آمده است، به این نتیجه می‌رسیم که ربای حرام مورد نظر اسلام و متداول در صدر اسلام، در قرضهای ضروری تحقق پیدا می‌کند. در این سوره مبارکه، قبل از وارد شدن به بحث ربا از انفاق، نذر و صدقه، شیوه‌های انفاق، پاداش اخروی آن و خصوصیات مستحقان انفاق سخن رفته است:

«و ما انفقتم من نفقة او نذرتم من نذر فان الله یعلمه و ما للظالمین من انصار»^۴

هرچه انفاق کنید و یا نذر و صدقه دهید همانا خداوند می‌داند (ولی اگر در حق فقرا ستم کنید) ستمکاران را یار و معینی نخواهد بود.

«ان تبدوا الصدقات فنعماهی و ان تحفوها او تؤتوها الفقراء فهو خیر لکم»^۵

اگر به فقرا آشکارا انفاق صدقه کنید کار نیکو و ستوده است لیکن اگر به صورت پنهانی باشد، بهتر است.

«و ما تنفقوا من خیر فلانفسکم و ما تنفقون الا ابتغاء وجه الله و ما تنفقوا من خیر یوف الیکم و

انتم لا تظلمون»^۶

انفاق و احسان شما متعلق به خود شماست و جز در راه رضای پروردگار انفاق نکنید (زیرا)

۱- قرآن، سوره روم، آیه ۳۹.

۲- قرآن، سوره بقره، آیه ۲۷۶.

۳- مسأله ربا، ۲۴۳.

۴- قرآن، سوره بقره، آیه ۲۷۰.

۵- همان، آیه ۲۷۱.

۶- همان، آیه ۲۷۲.

خداوند پاداش نیکی شما را خواهد رسید و هرگز مورد ستم قرار نمی‌گیرید.

«للفقراء الذين احصروا في سبيل الله لا يستطيعون ضرباً في الارض يحسبهم الجاهل اغنياء من التعفف تعرفهم بسيماهم لا يسئلون الناس الحافاً»^۱

صدقات مخصوص فقیرانی است که در راه خدا فقیر شده‌اند و توانایی آن که کاری پیش گیرند، ندارند. عفت‌شان باعث شده است که هرکس از حال آنها آگاه نباشد تصور کند که غنی و بی‌نیاز هستند ولی فقر آنها را از چهره‌شان می‌توان شناخت؛ چون عزت نفس باعث شده که از کسی سؤال نکنند.

«الذين ينفقون اموالهم بالليل والنهار سراً و علانية فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف عليهم و لا هم يحزنون»^۲

کسانی که مال خود را شب و روز، نهان و آشکارا در راه خدا انفاق کنند، نزد پروردگار پاداش نیکو خواهند داشت و هرگز بیمناک و اندوهگین نخواهند شد.

«الذين يأكلون الربا لا يقومون الا كما يقوم الذي يتخبطه الشيطان من المس ذلك بانهم قالوا انما البيع مثل الربا و احل الله البيع و حرم الربا...»^۳

کسانی که ربا می‌خورند (در قیامت) به پانمی‌خیزند مگر همانند کسی که وسوسه شیطان او را دچار صرع کرده است. به همین جهت، می‌گویند بیع همانند رباست و حال آن که پروردگار بیع را حلال و ربا را حرام کرده است....

«يحق الله الربا و يربي الصدقات»^۴

خداوند ربا را نابود می‌کند و به صدقات فزاینده می‌دهد.

«يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله و ذروا ما بقى من الربا ... فان لم تفعلوا فأذنوا بحرب من الله و رسوله و ان تبتم فلکم رؤوس اموالکم لا تظلمون و لا تظلمون. و ان كان ذو عسرة فنظرة الى ميسرة و ان تصدقوا خير لكم ان كنتم تعلمون»^۵.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا بترسید. باقی‌مانده ربا را نگیرید... پس اگر این کار را نکردید آگاه باشید که با خدا و پیامبر (ص) اعلان جنگ کرده‌اید. اگر توبه کردید (دست از رباخواری کشیدید) اصل مالتان متعلق به خود شماست نه ظلم کرده‌اید و نه ظلم شده‌اید. و اگر بدهکار دچار

۱- همان، آیه ۲۷۲.

۲- همان، آیه ۲۷۴.

۳- همان، آیه ۲۷۵.

۴- همان، آیه ۲۷۶.

۵- همان، آیات ۲۷۸، ۲۷۹ و ۲۸۰.

تنگنا بود به او مهلت دهید تا زمانی که وضعش بهبود یابد. و اگر طلب خود را به عنوان صدقه ببخشید بهتر است؛ اگر به مصلحت خود آگاه باشید.

همچنین در سوره روم آمده است:

«و ما آتیتم من الربا لیربوا فی اموال الناس فلا یربوا عندالله و ما آتیتم من الزکاة تریدون وجه الله فاولئک هم المضعفون»^۱

آن سودی که شما به رسم ربا دادید برای این که در اموال مردم رباخوار افزوده شود، در نزد پروردگار، افزایش صورت نگرفته است ولی آنچه را که به عنوان زکات و صدقه می‌دهید و رضایت پروردگار را در نظر گرفته‌اید با این کار داراییهای آنها را چند برابر کرده‌اند.

همان‌طور که دیده شد، در سوره بقره، آیات ربا با انفاقات، صدقات و نذورات، شروع می‌شود؛ بعد از ارائه تصویر روشن از ویژگیهای نیازمندان و شیوه‌های کمک‌رسانی و پی‌آمدهای آن، رفتارها و انگاره‌های نابهنجار رباخواران را بیان می‌کند که وسوسه‌های شیطان باعث شده است آنها میان حق و باطل و بیع و ربا تفاوت نبینند. سپس به پی‌آمدهای مادی رباخواری و صدقه‌دهی می‌پردازد «یحق الله الربا و یربی الصدقات» خداوند رباخواری را نابود و صدقات را افزایش می‌دهد. در سوره روم نیز در مقام مقایسه ربا و زکات، نتیجه و برآیند اقتصادی هریک را توضیح می‌دهد.

آوردن ربا در کنار صدقه، زکات و انفاق که مستحقان اینها افراد نیازمند و مستأصل می‌باشند، گویای حرمت ربا در قرضهای ضروری است و قرینه مهم دیگری که بیانگر انصراف حرمت ربا بر قرضهای ضروری است، آیه «ان کان ذو عسرة فنظرة الی ميسرة و ان تصدقوا خیر لکم» می‌باشد. این آیه بعد از چندین آیه که در رابطه با ربا می‌باشند؛ آیاتی که در آنها رباخواری در حکم اعلان جنگ با خدا و پیامبر (ص) و ظلم شمرده شده، آمده است. در واقع، این آیه می‌گوید: نه تنها از بدهکاران ربا نگیرید بلکه در صورت عدم توان بر بازپرداخت، مجدداً زمان ادا را به تعویق بیندازید ولی کار ستوده‌تر در نزد پروردگار بخشیدن بدهی به عنوان صدقه می‌باشد.

از این آیات و آیات مربوط به قرض الحسنه می‌توان به این نتیجه رسید که ربا در نقطه مقابل انفاق، صدقه، قرض الحسنه و زکات قرار دارد. ربا بر زندگی اثر ناگوار و زیان‌باری به جا می‌گذارد؛ ربا دارای خصلت به هم فزاینده‌گی («اضعافاً مضاعفه») می‌باشد. دیری نخواهد گذشت که بدهکار را به خاک سیاه نشانده، آزادی، اعتماد به نفس و انسانیت او و خانواده و آینده فرزندان را به تباهی می‌کشد. در مقابل، انفاق و قرض الحسنه آثار روانی مثبت و مفیدی بر زندگی بینوایان می‌گذارد.

به آنها عشق، علاقه، اعتماد به نفس و امید به زندگی هدیه می‌کند و نشان می‌دهد که جامعه او را در کویر تفتیده فقر فراموش نکرده‌اند و هریک از افراد هم‌نوع غمگسار اویند. این، به او طراوت و تلاش می‌دهد و دورنمای آینده را در برابر چشمان او زلال و روشن می‌سازد^۱. طبعاً کسی که مستحق انفاق، زکات، صدقات و قرض‌الحسنه می‌باشد، فقیر نیازمند است و وام دریافتی او برای تأمین نیازهای اولیه می‌باشد.

ربا یک نوع رابطه اقتصادی ظالمانه است، ظلم رباخوار به ربادهنده؛ ظلم در جایی صدق می‌کند که یک طرف در موقعیت اجتماعی و اقتصادی برتر قرار داشته باشد و او بتواند خواسته‌ها و شرایط خود را بر دیگری تحمیل کند. در روابط اقتصادی ظلم زمانی صدق می‌کند که یک طرف مجبور به پذیرش شرایط دیگری باشد. بنابراین، تنها در وام‌های ضروری این ویژگی وجود دارد.

به‌طور خلاصه، از بررسی آیات سورة بقره و سورة روم به نتایج زیر می‌توان دست یافت:

۱- منظور از ربا آن مازادی است که برای دریافت قرض ضروری، بدهکار مجبور به پرداخت می‌شود. از همین دسته است وام برای خرید مواد غذایی، پوشاک و مسکن و هر کالایی که بدون آن زندگی فرد با خطر مواجه می‌شود و یا سرمایه‌گذاری برای تأمین مؤونه زندگی و نیازهای حیاتی.

۲- آیات ربا به بدهکارانی نظر دارند که به سبب کوتاهی و تنبلی، دچار تنگدستی نشده باشند؛ یعنی افرادی که بعد از تلاش و کارکردن، نتوانسته‌اند حداقل معیشت آبرومندانه را برای خانواده خود تأمین کنند «للفقراء الذین ... لا يستطيعون ضرباً فی الارض ...»

۳- ربا مازاد دریافتی از بدهکاران تاجر و سرمایه‌دار را که جهت راه‌اندازی و توسعه فعالیت‌های تولیدی و تجاری دریافت می‌گردد، شامل نمی‌شود. در نتیجه دریافت زیادی از کسانی که وام‌ها را در فعالیت‌های تجاری و خرید کالاهای لوکس هدایت می‌کنند، حرام نیست؛ زیرا این دسته از بدهکاران، مستحق دریافت زکات و صدقه نیستند و به انفاق نیاز ندارند و در گرفتن زیادی از اینها ظلم صدق نمی‌کند؛ یعنی گرفتن ربا از قرض‌های غیر ضروری به دلیل فقدان ویژگیهای ربای قرآنی تخصصاً از حیطة حرمت خارج می‌باشد.

به علاوه، در چندین آیه قرآن، قرض‌الحسنه مورد تأیید و تشویق قرار گرفته است. از قرض‌الحسنه به عنوان قرض به خدا، سخن رفته و پاداش معنوی آن را چندین برابر (یضاعف لکم)

۱- سید محمدحسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۲، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، (تهران، دفتر انتشارات اسلامی،

۱۳۶۳)، صص ۶۲۷-۶۲۸؛ محمدعلی همایون کاتوزیان، ربا و بهره در اقتصاد سیاسی اسلام، ترجمه علیرضا طبیب، به نقل از

ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال ۱۱، شماره ۳ و ۴، (آذر و دی، ۱۳۷۵)، ص ۱۲۹.

شمرده است. هر عاقلی می‌داند که قرض دادن به افراد نیازمند و بینوا می‌تواند از مصادیق «یقرض الله» باشد نه سرمایه‌دارانی که برای گسترش فعالیت‌های تولیدی و احیاناً پدیدآوری انحصار اقتصادی و یا خرید کالاهای لوکس و تجملی به منظور خودنمایی، تقاضای وام می‌کنند. در این نوشته، به ذکر چند آیه قرآن بسنده می‌شود:

«و اقيموا الصلاة و اتوا الزكاة و اقترضوا الله قرضاً حسناً و ما تقدموا لانفسكم من خير تجدوه عند الله و هو خير و اعظم اجرا»^۱

نماز بگذارید و زکات بدهید و به خداوند قرض‌الحسنه دهید و هر کار نیکی که برای خود پیشاپیش بفرستید، نزد پروردگار پاداش آن بزرگتر است.

«من ذالذی یقرض الله قرضاً حسناً فیضاعفه له اضعافاً کثیره»^۲

آیا کسی هست که در راه خدا قرض دهد تا خداوند برایش چند برابر آن را کارسازی کند؟
«و قال الله انی معکم لئن اقمتم الصلاة و آتیتم الزکاة ... و اقترضتم الله قرضاً حسناً لا کفرن عنکم سیأتکم»^۳

خداوند به آنان گفت: من مراقب اعمال شما هستم، در صورتی که نماز برپا دارید و زکات بدهید ... و در راه خدا قرض‌الحسنه بپردازید، در آن صورت من گناهانتان را می‌بخشم.

این آیات در کنار روایاتی که می‌گویند: نیاز قرض‌گیرندگان بیشتر از مستحقان صدقه است، ما را به این نتیجه می‌رسانند که قرض مورد نظر در قرآن، قرضهای ضروری است. و از چنین قرضهایی ربایستانی ظلم است و در حکم اعلان جنگ با خدا و پیامبر (ص).

۴- یک سلسله احادیثی از ائمه (ع) وارد شده که علت حرمت ربا را «اصطناع معروف» و ترویج کارهای نیک دانسته‌اند؛ یعنی ربا به این دلیل حرام شده است که کارهای ستوده‌ای چون قرض‌الحسنه رواج یابد و روابط انسانی در جامعه تحکیم و همکاریها و همیاریها گسترش پیدا کند؛ در روایاتی چند، علت حرمت ربا همین مسأله دانسته شده است:

امام باقر (ع) می‌فرماید: «انما حرم الله عز و جل الربا لئلا یذهب المعروف»^۴

خداوند ربا را به این دلیل حرام کرده است که کارهای پسندیده‌ای مانند قرض‌الحسنه از جامعه برچیده نشود.

۱- قرآن، سوره مزمل، آیه ۲۰.

۲- همان، سوره بقره، آیه ۲۴۵.

۳- همان، سوره مائده، آیه ۲۴۵.

۴- احمد عابدینی، ربا، تورم و ضمان، مجله فقه، شماره ۱۱ و ۱۲، (۱۳۷۶)، ص ۱۵۱.

سماعه از امام صادق (ع) سؤال می‌کند: «انی رأیت الله قد ذکر الربا فی غیر آیه و کثره ... قال (ع) لثلا یمتنع الناس من اصطناع المعروف»^۱.

سبب چیست که خداوند ربا را در چند آیه و به‌طور تکراری آورده است؟ امام (ع) فرمود: برای این که مردم جلو کارهای خیر و نیک خواهانه را نگیرند.

امام رضا (ع) در رابطه با علت حرمت ربای نسیه می‌فرماید:

«... و علة تحريم الربا بالنسيئة لعل ذهاب المعروف و تلف الاموال و رغبة الناس في الربح و

تركهم القرض و صنایع المعروف و لما في ذلك من الفساد و الظلم و فنا الاموال»^۲

ربای نسیه به این دلیل تحریم شده است که عدم حرمت آن باعث ترك كار نيك و تباهی اموال و گسترش سودجویی و ترك قرض الحسنه می‌شود. در نهایت، به نابودی و فساد اموال و ظلم و ستم منجر می‌شود.

این روایات علت حرمت ربا را ترویج قرض الحسنه می‌دانند که باعث گسترش روح برادری و تقویت عواطف انسانی می‌شود. قرضهائی که چنین برآیند و پی‌آمدی را به همراه داشته باشند قرضهای ضروری و دریافت‌کنندگان آن افراد نیازمند است.

به علاوه، احادیثی داریم که به‌طور صریح و آشکار روی شدت نیاز قرض‌گیرندگان تأکید می‌کنند و شدت نیاز آنها را بالاتر از مستحقان زکات و صدقات می‌دانند. از آن جمله است روایت امام صادق (ع) که می‌فرماید:

«مكتوب علی باب الجنة الصدقة بعشرة والقرض بخاتمية عشر و انما صار القرض افضل

من الصدقة لان المستقرض لا يستقرض الا من حاجة و قد يطلب الصدقة من لا يحتاج اليها»^۳

بر در بهشت این عبارت نوشته شده است: صدقه ده برابر پاداش دارد و قرض، هیجده برابر و دلیل برتری قرض بر صدقه این است که قرض جز در صورت نیاز دریافت نمی‌شود و گاهی صدقه در اختیار کسی گذاشته می‌شود که نیازی بدان ندارد.

این روایت کاملاً تصریح بر حرمت ربا در قرضهای ضروری دارد و مشخص می‌کند که قرض‌گیرندگان در صدر اسلام افراد نیازمند بودند. طبق این روایت، ربای حرام انصراف دارد به قرضهای ضروری؛ قرضهائی که برای تأمین نیازهای ضروری دریافت می‌شدند.

۱- مسأله ربا، ص ۵۴.

۲- محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۲ (بیروت، دار الاحیاء ثراث العربی، ج ۴)، ص ۴۲۵.

۳- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳، (بیروت، مؤسسة الوفاء، ج ۲، ۱۹۸۳ م)، ص ۱۳۹.

۵- دلیل دیگر بر تحدید حرمت ربا در قرضهای ضروری، عدم حرمت شرط زیادی به نفع وام گیرنده است. از آن جا که در صدر اسلام معمولاً بدهکاران و یا قرض گیرندگان در موقعیت فرو دست قرار داشتند و تنها به خاطر قوت لایموت زندگی و نیاز شدید مادی مجبور به دریافت قرض با شرایط سخت می شدند، باج گیری و سودخواهی از این افراد ظالمانه و به دور از روح عدالت خواهی اسلام بوده است و این رابطه ناعادلانه، به التهاب و تنش در جامعه می انجامیده است اما شرط دریافت کمتر و تعیین سود به نفع وام گیرنده به دور از این ویژگیها بوده و حرام نیست؛ به عبارت دیگر، زیان دهی طلبکار و یا قرض دهنده که از نظر اقتصادی در جایگاه برتر قرار دارد، بدون اکراه و اجبار و کاملاً انتخابی است؛ انتخاب زیان به انگیزه کمک به هموعان نیازمند و مستأصل به هیچ وجه نمی تواند ناستوده و محکوم باشد. شرط زیادی به نفع وام گیرنده و جواز آن، تقریباً مورد اتفاق فقهای شیعه است. در این مورد تنها فرد مخالف شهید ثانی است و او هم تحریم را به موقعیتی منحصر کرده است که شرط کمتر نیز به نفع قرض دهنده تمام شود^۱.

صاحب جواهر الکلام در این رابطه می نویسد: «و لو كان الشرط نفعاً للمستقرض دون المقرض كما اذا اشترط اعطاء الغلة عوض الصحاح، او اشترط عليه ان يقرضه شيئاً آخر و نحو ذلك، جاز بلا خلاف و لا اشكال، نعم احتمل في الدروس المنع في الثاني مع فرض النفع له كما اذا كان زمان نهب او غرق و فيه ان مثله غير قاذح»^۲ «محقق قزوینی

امام خمینی در کتاب تحریر الوسیله آورده است:

«انما یحرم شرط الزیادة للمقرض علی المقرض، فلا بأس بشرطها للمقرض؛ كما اقرضه عشرة دراهم علی ان یؤدی ثمانية»^۳

همان طور که از عبارت امام خمینی و صاحب جواهر دانسته شد در شرط زیادی به نفع قرض گیرنده ربای حرام صدق نمی کند. در حالی که اگر مسأله ضرورت نیاز وام گیرنده به عنوان معیار نباشد و ظلم، به بدهکار به عنوان علت حرمت مطرح نگردد، نباید میان زیادی به نفع وام گیرنده و وام دهنده تفاوت و ناسازگاری پدید آید. زیاده ستانی در قرض از جانب هر کدام که باشد کار زشت و

۱- آیه الله ناصر مکارم شیرازی، ربا و بانکداری اسلامی، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی، (قم، مدرسه الامام علی بن

ابی طالب، ۱۳۷۶)، صص ۳۱-۴۵.

۲- محمدحسین نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۵، (تهران، دار الکتب الاسلامیه)، ج ۶، ۱۳۹۴ ق)، ص ۱۳.

۳- امام روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، (تهران، پیام، ۱۳۶۶)، ص ۵۶۹.

ناپسند است. روایات وارده در مورد عدم حرمت تنزیل اوراق قرضه نیز مؤید دیدگاه ماست^۱؛ چون تنزیل کنندگان معمولاً طلبکاران و تاجران هستند که کالاهای خود را به نسیه فروخته‌اند و برای گسترش و تداوم فعالیت‌های تجاری به پول نیاز پیدا کرده‌اند. برای تأمین نیازهای مالی، از بدهکاران می‌خواهند طلبشان را نقداً با مبلغ کمتر بدهند، یعنی تنزیل کنندگان همان وام‌دهندگان می‌باشند و از موقعیت اقتصادی و اجتماعی بالایی برخوردارند.

دیدگاه قائلان به حرمت مطلق ربا

دلایل قرآنی: برخی از آیات مربوط به ربا به حرمت ربای تولیدی دلالت دارد؛ طبق گفته شهید مطهری در آیه «احل الله البیع و حرم الربا» ربا در کنار بیع آورده شده است؛ اگر حرمت ربا منحصر به ربای مصرفی می‌بود، آوردن حلیت بیع، معنی و مفهوم نداشت. آوردن بیع در مقابل ربا، نشان‌دهنده فعالیت‌های تجاری است. قرض تولیدی مشابه تجارت می‌باشد؛ در هر دو مورد سرمایه به کار انداخته می‌شود.

یکی از آیاتی که بر حرمت مطلق ربا دلالت دارد آیه «... و ان تبتم فلکم رؤوس اموالکم لا تظلمون و لا تظلمون» می‌باشد و این آیه از دو جهت بر حرمت وام‌های تولیدی دلالت دارد:

الف - مراد از رأس المال سرمایه است؛ اگر تنها ربای مصرفی حرام می‌بود، آوردن عبارت فلکم رؤوس اموالکم معنی نداشت؛ این عبارت بیانگر وام‌های سرمایه‌ای است.

ب - «از جمله «لا تظلمون» فهمیده می‌شود که ربا ظلم است؛ یعنی تحریم ربا براساس لزوم احسان نیست (که ملاک در قرض‌های مصرفی است) بلکه براساس وجوب عدل و تحریم ظلم است؛ یعنی ربا اکل مال غیر است و...»^۲.

دلایلی را که شهید مطهری برای اثبات حرمت مطلق ربا آورده است بر رد کسانی است که معتقدند رباگیری تنها در قرض‌های مصرفی حرام است و نه در قرض‌های تولیدی؛ طبعاً به‌طور مستقیم دیدگاه ما را مبنی بر حرمت ربا در قرض‌های ضروری و عدم حرمت آن در قرض‌های غیر ضروری، رد و انکار نمی‌کند. ولی از آن‌جا که دلایل شهید مطهری برای اثبات «حرمت مطلق ربا» آورده شده است، به نحوی این دیدگاه را نیز زیر سؤال برده است. به این جهت، دلایل ایشان باید بررسی شود.

۱ - محمدحسین ابراهیمی، ربا و قرض در اسلام، (قم، مؤلف، ۱۳۷۲)، ص ۷۳؛ حسن محمدتقی الجواهری، ربا از دیدگاه فقهی، (تهران، مؤسسه تحقیقاتی پولی و بانکی، ۱۳۷۶)، صص ۱۰۶-۱۰۷.

۲ - مسأله ربا، صص ۱۶۱، ۱۹۶-۱۹۷.

گرچه غیر از دلیل سوم، اثبات بقیه هیچ ربطی به دیدگاه ما ندارد چون ما هم معتقدیم قرضهای موجود در صدر اسلام می توانست تولیدی باشند. با این وجود، به نظر می رسد دلایل ارائه شده به وسیله شهید مطهری قابل خدشه است؛ زیرا:

آیه «أحل الله البيع و حرم الربا» در جواب گفته ها و تصورات رباخواران است که می گفتند: «أما البيع مثل الربا»؛ یعنی درآمدهای حاصل از ربا با بیع تفاوت ندارد. قرآن نادرستی چنین مقایسه ای را اعلان کرده است. این مسأله با چالش پرداخت وام ربوی به تولیدکنندگان و تاجران و اثبات حرمت و عدم حرمت آن ربطی ندارد. جای تردید نیست که اعطاکنندگان وام، افرادی ثروتمند و از موقعیت اجتماعی - اقتصادی بالایی برخوردار بودند. اما آیه موقعیت اجتماعی و اقتصادی وام گیرندگان را توضیح نداده است. گرچه چند آیه بعدتر به وضعیت فلاکت بار قرض گیرندگان می پردازد و تأکید می کند بهتر است طلب خود را به آنها ببخشید (و ان تصدقوا خیر لكم) همچنین از آیات قبل و لابه لای آیات ربا شدت نیاز بدهکاران دانسته می شود. بنابراین، آیه نحوه مصرف قرض را بیان نمی کند.

اما آیه شریفه «... فلکم رؤوس أموالکم...»، این آیه می خواهد بگوید: وام دهنده، اصل مال خود را بعد از پایان مهلت، بازپس گیرد و ربایی دریافت نکند؛ زیرا این کار ظلم است و حرمت آن آشکار. از کجای این آیه حرمت ربای سرمایه ای را نمی توان فهمید؟

در رابطه با آیه مبارکه «لا تظلمون و لا تظلمون» به فرض معنی ظلم همان باشد که شهید مطهری گفته است، می تون گفت: ربا ظلم است و گرفتن حق بینوایان می باشد و حرمت ربا محدود به وامهای ضروری؛ زیرا طبق آیه «الذین فی أموالهم حق معلوم للسائل والمحروم»^۱، منظور از «حق معلوم» حقی است که فقرا و نیازمندان بر اموال توانگران و ثروتمندان دارند. امام صادق (ع) حق معلوم را غیر از زکات دانسته است و بسیاری از مفسران نیز این حق را غیر زکات دانسته اند. بر این اساس، ربا از ضعفا ظالمانه و به دور از عدالت و تجاوز به حقوق آنهاست؛ چون سائلان و محرومان بر اموال اغنیا حقی دارند^۲. دادن قرض الحسنه یکی از راههای تأدیه این حق است. اما وامهای غیر ضروری که به وسیله سرمایه داران و صاحبان شرکتهای تولیدی دریافت می شود، می تواند همراه با مازاد باشد؛ دریافت مازاد از اینها عین عدل می باشد.

دلیل روایی: قائلان به حرمت مطلق ربا، برای اثبات دیدگاه خود به حدیثی متمسک شده اند که

۱- قرآن، سوره معارج، آیه ۲۴.

۲- قرآن، سوره، تفسیر مجمع البیان، ج ۲۲، صص ۳۱۳-۳۱۴.

دلالت بر حرمت ربای تولیدی دارد؛ در روایت امام رضا (ع) آمده است: «لما فيه من ترك التجارة»^۱ همچنین امام صادق (ع) می‌فرماید: «انه لو كان الربا حلالاً لترك الناس التجارات»^۲ یعنی اگر ربا حلال باشد مردم از تجارت دست می‌کشند. از آن‌جا که اقشار مرفه جامعه در عربستان تجارت پیشه بودند و در این کار از ذوق و مهارت لازم برخوردار، در صورت جواز ربا و حلیت درآمدهای ربوی، این عمل می‌توانست به تبلی و تن‌پروری و ترک تجارت بینجامد. در قرضهای مصرفی، حرمت ربا روی تجارت تأثیر نمی‌گذاشت، زیرا حرمت ربا در قرضهای مصرفی باعث جانشینی قرض الحسنه به جای آن می‌شود، در این صورت ترک تجارت معنی نخواهد داشت. تنها در قرضهای سرمایه‌ای است که اگر استقراض ربوی ممنوع باشد، طرف قرض الحسنه نمی‌دهد بلکه خودش تجارت می‌کند.^۳

در قالب بحث شهید مطهری (ربای تولیدی و مصرفی)، می‌توان بر دلیل یاد شده خدشه وارد کرد: در قرضهای مصرفی در هر صورت (چه ربوی چه غیرربوی) اعطای وام باعث ترک تجارت می‌شود و بخشی از سرمایه‌های ملی در خرید کالاهای مصرفی هزینه می‌گردد. ولی وامهای تولیدی، در هر حال، باعث رونق تولید و تجارت می‌شود؛ در صورت وام‌دادن گرچه صاحب سرمایه مستقیماً سرمایه‌گذاری نمی‌کند ولی دریافت‌کننده وام، وارد فعالیتهای تجاری شده و از قرض به عنوان سرمایه برای راه‌اندازی تولید و تجارت استفاده می‌کند. در عصر حاضر این قرض بیشتر در جهان خارج مصداق دارد. صاحبان سرمایه‌های اندک به دلیل عدم دسترسی به منابع بانکی، مجبورند، سرمایه نقدی ناچیز خود را در بانک بگذارند. در مقابل، دریافت‌کنندگان وام از بانک اغلب کسانی‌اند که سرمایه‌های زیاد در اختیار دارند و به کارهای تولیدی و تجاری مشغولند. با این فرض، پس‌انداز در بانک و اعطای وام از کانال بانکی به رونق تولید و تجارت می‌انجامد و به گسترش رشد و توسعه اقتصادی منجر می‌شود.

واقعیت این است که منظور معصوم (ع) از ترک تجارت، قرضهای تولیدی و مصرفی نیست و او نمی‌خواهد بگوید: در کدام یک از آنها ترک تجارت اتفاق می‌افتد بلکه می‌خواهد گوشزد کند که رباخواری سرمایه‌داران تجارت‌پیشه، انگیزه کار و تلاش را از آنها می‌گیرد؛ یعنی درآمدهای بدون زحمت و ریسک، روح ابتکار و نوآوری را از ثروتمندان می‌زداید و اندیشه بهره‌کشی از افراد فقیر و نیازمند را در وجود آنها زنده می‌کند.

سوء استفاده از شدت نیاز خانواده‌های فقیر و استثمار آنها در قالب قرضهای ربوی تنها

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۲۵.

۲- الحیاء، ج ۵، ص ۲۰۴.

۳- مسأله ربا، صص ۱۶۱-۱۶۲.

در صدر اسلام مصداق کامل داشته است. امروزه اکثر دریافت‌کنندگان وام از سیستم بانکی افراد ثروتمند و سپرده‌گذاران، گروه‌های متوسط و کم‌درآمد جامعه می‌باشند؛ به عبارت دیگر، پیدایی ثروت باد آورده، از طریق وام‌دهی و گسترش تنبلی، تنها در شرایطی تحقق می‌یابد که قرضها برای تأمین نیازهای ضروری، و قرض‌دهنده از قدرت انحصاری برخوردار باشد. ولی در قرضهای غیرضروری اگر نرخ بهره افزایش یابد، قرض‌گیرنده از خیر آن خواهد گذشت؛ یعنی در قرضهای غیرضروری، متقاضی سرمایه در صورتی وام می‌گیرد که سود انتظاری سرمایه‌گذاری از هزینه سرمایه، بیشتر باشد. این فرآیند چیزی نیست جز سهام‌کردن صاحب سرمایه به سود سرمایه‌گذاری؛ این کاری است عاقلانه و منطقی و سهام‌شدن در فعالیت تولیدی و تجاری. بنابراین، سودی که انگیزه کار و تلاش را از صاحبان سرمایه بگیرد و نسبت به سایر فعالیتهای اقتصادی سودآورتر باشد، تنها در قرضهای ضروری قابل تصور است و آن هم در شرایطی که صاحبان سرمایه از قدرت انحصاری قابل توجهی برخوردار باشند.

سؤالی که در این جا مطرح می‌شود این است: اگر دریافت ربا تنها در قرضهای ضروری حرام است، چرا پیامبر (ص) و ائمه (ع) چنین تفکیکی انجام نداده‌اند؟ و آیات و روایات مرز جدایی این دو نوع ربا را مشخص نکرده و ربا را به طور مطلق حرام دانسته‌اند؟

در جواب باید بگوییم: اولاً دریافت قرض غیرضروری در زمان پیامبر (ص) متداول نبود و مردم برای تأمین نیازهای اولیه و خرید کالاهای ضروری قرض می‌گرفتند؛ طبق گفته‌های مفسران نامی شیعه و سنی، همچون شیخ طوسی، طبرسی، قطب‌الدین راوندی، ابن عربی، محمد رشید رضا و ...، ربای رایج در عربستان جاهلی بعد از تأخیر و عدم قدرت بدهکار بر ادای دین پدید می‌آمد؛ یعنی قرض‌دهنده در ابتدا شرط زیادی نمی‌کرد و قرض مورد نظر را در اختیار فرد نیازمند می‌گذاشت؛ بعد از سررسید زمان بازپرداخت، بدهکار اگر بدهی خود را می‌پرداخت، بدون دریافت ربا و اضافی بود و اگر قدرت بر ادا نداشت به ازای افزایش در مبلغ قرض، زمان بازپرداخت به تعویق می‌افتاد^۱. زیاده‌خواهی به ازای تمديد زمان، مختص افراد فقیر و نیازمند می‌باشد؛ آنهايند که در پایان

۱- محمد بن جریر طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۶۹؛ محمد رشید رضا، تفسیر المنار، ج ۳، (بیروت، دارالمعروف)، ص ۹۴؛ ابن العربی، احکام القرآن، تحقیق محمد علی الیحاوی، ج ۱، (بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۱ م)، ص ۱۰۳؛ ابی جعفر محمد بن حسن الطوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، (بیروت، دار احیاء ثراث العربی)، ص ۳۶۰؛ تفسیر مجمع البیان، ج ۳، ترجمه دکتر محمد مفتاح، (تهران، فراهانی، ۱۳۵۰)، صص ۱۸۱-۱۸۲؛ قطب‌الدین راوندی، فقه القرآن، ج ۲، (قم، مکتب آیه الله مرعشی، ۱۴۰۵)، ص ۴۶.

مهلت مقرر نمی‌توانند دین خود را بپردازند. و بسیاری از این گونه رباها ریشه در معاملات سلفی داشتند که در آن ثروتمندان محصول کشاورزان فقیر را پیش خرید می‌کردند و در زمان ادا به دلیل شدت نیاز کشاورزان بدان محصول به ازای دو برابری طلب، زمان بازپرداخت را به تعویق می‌انداختند. لذا در زمان پیامبر (ص) استقراض ربوی به منظور گسترش و توسعه فعالیت‌های تولیدی، تجاری و خرید کالاهای لوکس و تجملی رواج نداشت تا پیامبر (ص) و ائمه (ع) حکمش را بیان کنند و افراد با تجربه تجاری که مشکل مالی داشتند، در قالب مضاربه عمل می‌کردند.

ثانیاً، براساس آیات و روایات، همان طور که در این نوشته مورد استناد قرار گرفت، به ضروری بودن قرض و فرودستی بدهکار اشارت رفته است و آوردن انفاق، زکات، صدقات و نذورات در مقابل ربا و پاداش اخروی بیشتر برای قرض الحسنه، نسبت صدقه و بیان علت آن به عبارت روشن: «المستقرض لا يستقرض الا من حاجة و قد يطلب الصدقة من لا يحتاج اليها»، ضروری بودن قرضها در صدر اسلام را تردیدناپذیر می‌کند؛ در هر قرضی که این ویژگی پیدا باشد، دریافت مازاد در آن ربا و حرام است. بنابراین، حکم ربا در قرضهای ضروری که در صدر اسلام متداول بوده در آیات و روایات آمده است؛ ولی رباستانی به منظور خرید کالاهای لوکس و تجملی و راه اندازی فعالیت‌های تولیدی و تجاری به منظور کسب سود رواج نداشت تا حکمش بیان شود و ضرورت نداشت پیامبر (ص) حکم چیزی را که در آن زمان وجود نداشت، بیان کند.

پی آمدهای کاربرد این نظریه

۱- لازم نیست به منظور حل چالش ربا در نظام بانکی و فرار از گرداب زیان‌بار آن به قراردادهای مصنوعی غیر واقعی روی آوریم و وکالت‌های ندانسته و ناخواسته و سودهای از قبل تعیین شده را بپذیرا باشیم. همچنین ضرورت ندارد به دلایل مختلف فقهی و روایی، تفاوت سود بانکی را از بهره بانکی به تصویر بکشیم و بگوییم در نظام اسلامی بانکها به سپرده‌گذاران سود می‌دهد نه بهره. واقعیت امر این است که عرف جامعه، این تفاوتها را بر نمی‌تابد و توجیه وکالت، ضمانت و غیرمقطوع بودن سود علی‌الحساب را نمی‌پذیرد؛ همان‌طور که در عمل نیز چنین است.

۲- وامهای ضروری از محل سپرده‌های قرض الحسنه افراد خیر، تأمین مالی شود و از دریافت‌کنندگان وامهای ضروری به جز از هزینه کارمزد بانکی نباید بهره و یا سودی دریافت شود؛ ولی اگر این گونه وامها بلندمدت و نرخ تورم خیلی بالا و تغییرات در قدرت خرید پول معتدبه و غیر قابل چشم‌پوشی باشد، لازم است که کاهش ارزشی پول جبران گردد. بدین ترتیب، از زیان‌دهی افراد خیر، جلوگیری می‌شود و این می‌تواند روی انگیزه افراد خیر تأثیر مثبت بگذارد؛ روح

نوع دوستی آنها را تقویت کند و آنها را در جهت هموع‌گرایی بیشتر هدایت نماید.

۳- در قرضها و مصارف غیر ضروری (تولیدی، تجاری و مصارف لوکس)، بر مبنای بانکهای سستی عمل شود. در این صورت لازم نیست با چندین واسطه، عنوان و توجیه، بهره را سود علی الحساب نام بگذاریم و سپرده گذار را وادار به امضای معاهده‌ای کنیم که اصلاً با آن آشنایی ندارد. تنها می‌داند که سود علی الحساب با بهره بانکی تفاوت ندارد.

بر اساس این دیدگاه، عملیات بازار باز و خرید و فروش اوراق قرضه به عنوان کاراترین ابزار سیاست پولی که معمولاً برای تأمین منابع مالی پروژه‌های زیربنایی و عمرانی و کنترل حجم نقدینگی، به وسیله بانک مرکزی استفاده می‌شود، می‌تواند روا و جایز باشد و ضرورت ندارد که از اوراق مشارکت به عنوان ابزار جانشین استفاده کنیم و مجبور به توجیه باشیم تا آن را متفاوت از عملیات بازار باز جلوه دهیم. به علاوه، خرید و فروش اوراق مشارکت با محدودیتهایی مواجه است که اوراق قرضه ندارد.

اگر در عملیات بازار باز و نرخ بهره بانکی، نرخ تورم مورد توجه قرار گیرد، پرداخت نرخ بهره واقعی مثبت با درصد ناچیز، می‌تواند بازار غیر رسمی پول را از رونق بیندازد و باعث هدایت سرمایه‌های پولی به سمت و سوی بخشهای زیربنایی و تولیدی گردد. این فرآیند می‌تواند اثرات مثبت زیادی را در پی داشته باشد از جمله:

الف - بازارهای مالی را شفاف سازد و سرمایه‌های پولی با نرخهای واقعی تر در اختیار متقاضیان قرار گیرد.

ب - نابرابریها را کاهش دهد؛ از آن جا که پس‌انداز کنندگان عمدتاً افراد کم‌درآمد و دریافت کنندگان وام افراد ثروتمند می‌باشند، افزایش بهره بانکی به نفع گروه نخست، تمام خواهد شد و از کاهش ارزش واقعی پس‌انداز آنها جلوگیری خواهد کرد.

ج - تقاضای مصرفی جامعه کاهش یافته و منابع برای طرحهای مختلف عمرانی فراهم می‌شود. د - کاهش مصرف می‌تواند به کاهش تورم بینجامد؛ به دنبال آن احتکار، دلالی و واسطه‌گری از رونق خواهد افتاد.

هـ - افزایش بهره بانکی باعث می‌شود که منابع برای طرحهای زیربنایی و بالاسری فراهم شود. توسعه زیربنایها و زیرساختها، هزینه سرمایه گذاری در بخش خصوصی را کاهش و انگیزه تولید را افزایش خواهد داد و این می‌تواند از سرعت تورم بکاهد.

و - هزینه‌های ملی به جای دریافت وام با شرایط سخت از کشورهای خارجی و مؤسسات مالی بین‌المللی، از منابع داخلی تأمین مالی خواهد شد.

منابع

- ۱- موسویان، سیدعباس، بانکداری بدون ربا از نظریه تا عمل، (مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹)، صص ۳۰-۴۱.
- ۲- قرآن کریم، سوره حدید، آیه ۲۵.
- ۳- رازی، ابوالفتح، تفسیر روح الجنان و روح الجنان، ج ۱، (قم، کتابخانه آیه... مرعشی، ۱۴۰۴)، ص ۴۸۵.
- ۴- شهید مطهری، مرتضی، مسأله ربا، (انتشارات صدرا، ۱۳۶۴)، ص ۴۹.
- ۵- جریر طبری، محمد بن، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، (بیروت، دار المعرفة، ۱۹۸۶)، ص ۶۹.
- ۶- قرآن کریم، سوره روم آیه ۳۹- سوره بقره، آیه ۲۷۰ تا ۲۸۰.
- ۷- طباطبائی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۲، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، (تهران، دفتر انتشارات اسلامی ۱۳۶۳)، صص ۶۲۷-۶۲۸، کاتوزیان، محمدعلی همایون، ربا و بهره در اقتصاد سیاسی اسلام، ترجمه علیرضا طیب، به نقل از ماهنامه اطلاعات سیاسی- اقتصادی، سال ۱۱، شماره ۳ و ۴، (آذر و دی ۱۳۷۵)، ص ۱۲۹.
- ۸- عابدینی، احمد، ربا، تورم و ضمان، مجله فقه، شماره ۱۱ و ۱۲، (۱۳۷۶)، ص ۱۵۱.
- ۹- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۲، (بیروت، دار الاحیاء تراث العربی، ج ۴)، ص ۴۲۵.
- ۱۰- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۰۳، (بیروت، مؤسسه الوفاء، ج ۲، ۱۹۸۳ م).
- ۱۱- آیت... مکارم شیرازی، ناصر، ربا و بانکداری اسلامی، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی، (قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، ۱۳۷۶)، صص ۳۱-۴۵.
- ۱۲- نجفی، محمدحسین، جواهر الکلام، ج ۲۵، (تهران دار لکتاب الاسلامیه، ج ۶، ۱۳۹۴ ق)، ص ۱۳.
- ۱۳- امام خمینی، روح...، تحریر الوسیله، ج ۱، (تهران، پیام، ۱۳۶۶)، ص ۵۶۹.
- ۱۴- ابراهیمی، محمدحسین، ربا و قرض در اسلام، (قم، مؤلف، ۱۳۷۲)، ص ۷۳.
- ۱۵- الجواهری، حسن محمدتقی، ربا از دیدگاه فقهی، (تهران، مؤسسه تحقیقاتی پولی و بانکی، ۱۳۷۶)، صص ۱۰۶-۱۰۷.
- ۱۶- قرآن، سوره معارج، آیه ۲۴.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی